



تاریخ	۱۵
مرداد	
۱۳۹۷	
دوشنبه	

ضرب‌المثل‌های جهان

عمل خیری که امروز انجام می‌گیرد، خوشبختی فردای ما را بوجود می‌آورد.

صفحه	۵
شماره	۲۳۰۱
سال	بیست و چهارم

طلوع شهر



اسپانیولی



شهرک اکباتان تنها پروژه شهری با تفکر اسلامی در دوران معاصر

گفتاری با مهندس علی‌اکبر نصرآبادی

علی‌رغم صحبت‌هایی که می‌شود به‌جرت می‌توان گفت تنها معماری اسلامی از معماری پهلوی دوم است و یکی از ناب‌ترین پروژه‌های شاخص در خاورمیانه است. نصرآبادی برای شفاف‌سازی موضوع مثالی ساده را متذکر می‌شود؛ به چه کسی واژه بچه مسلمان را نسبت می‌دهیم؟ به کسی که همه از دست و زبان آن آسوده باشند، لزومی نیست بنده حتماً حوزه علمیه رفته باشم تا این واژه را به من نسبت بدهند همه می‌دانند مسلمان کسی هست که همه از دست و زبان آن آسوده باشند.

حالا آنکه ساختمان اسلامی کدام ساختمان است؟ ساختمان اسلامی، ساختمانی است که بقیه ساختمان‌های مجاور از آن آسوده باشند، یعنی سایه ساختمان بر روی ساختمان دیگری نباشد. ما در دوران انقلاب اسلامی چند پروژه و ساختمان با این مؤلفه ساخته‌ایم؟ مؤلفه‌های دیگری نیز هست؛ محکم ساخته شده باشد و در برابر زلزله هشت ریشتری مقاوم باشد. روابط فضایی آن به‌خوبی جوابگو باشد.

ارزان ساخته شود و از همه مهم‌تر زیبا بنا شود، زیبایی اصل معماری است. هماهنگ باشد و مسئله جدی‌تر وقتی در شهر تهران می‌گوییم خیابان با عرض ۱۲ متر می‌تواند کنسول ۱،۲ متر گرفت درواقع این‌یک زدنی آشکار است هوای مردم و شهروندان را تصرف می‌کنند و زاویه دید و پرسپکتیو را کوتاه‌تر از استاندارد تعریف می‌شود لذا زمانی که شهرهای اروپایی را مشاهده می‌کنند که در آن‌ها مؤلفه زیبایی دیده می‌شود، یک عقب رفتگی و جلوآمدگی برای آن‌ها تعریف شده است به‌جای آنکه کنسول در نظر بگیرد.

حالا آنکه در اکباتان چه اتفاقی افتاده است، سه‌طبقه طراحی شده، یک واحد عقب رفتگی دارد دوباره سه‌طبقه رفته بالا یک واحد عقب رفتگی دیده می‌شود، تنها ساختمانی هست که هنوز پس از گذشت چند دهه نمای سیمانی دارد و حتی رنگ‌آمیزی هم نشده است؛ یعنی می‌توان گفت پروژه اقتصادی بوده است.

به خاطر زوایایی که ایجاد شده در فرم ساختمان سایه آن به بلوک‌های مجاور سایه‌ای نداشته است. به خاطر فاصله‌هایی که در بین بلوک‌ها وجود دارد که حداقل آنها پنجاه متر هست بدون دوربین نمی‌توان به پنجره همسایه‌ها دید داشت پس بحث حریمیت در آن لحاظ شده است. در دسترسی‌هایی که وجود دارد به خیابان‌های افقی با کوچه‌های عمودی، به بالا که حرکت می‌کنیم پلاک یک طبقه یک، دو، سه و الی آخر که تمامی این مباحث به اصل سلسله‌مراتب اشاره دارد، این‌ها یعنی معماری اسلامی «تفکر اسلامی» در طراحی ساختمان. ما این جنبه‌های ارزشمند را از نگاه معماران جوان دورنگه داشته‌ایم و نمونه‌های این‌چنینی را تعریف نکرده‌ایم، حاصل آن هم شد پروژه مسکن مهر.

ما معماری اسلامی نداریم درواقع تفکر اسلامی در معماری داریم که امروزه در غرب تفکر معماری اسلامی وجود دارد؛ آنها مؤلفه‌هایی را در معماری به‌کار برده‌اند که این مؤلفه‌ها همان شهر، یک اثر هنری بزرگ است که آفرینندگانی به وسعت خود و به تعداد جمعیتش دارد. جای شک نیست که نیاز انسان به زیبایی، یکی از اساسی‌ترین نیازهای اوست، همان‌طور که ابراهام مازلو نیز در طبقه‌بندی سلسله مراتبی، نیاز به زیبایی را به‌عنوان یکی از نیازهای متعالی و برتر انسان برشمرده است. البته از اهداف اساسی هنر محیطی و هنر شهری نیز خلق مفاهیم و آثاری است که در مرتبه نخست، زیبایی را برای انسان به ارمان بیاورد. ماهیت هنر به‌ویژه هنگامی که در فضاهای شهری و در معرض مخاطبان فراگیرتری قرار می‌گیرد به‌گونه‌ای است که مرز سنتی بین مخاطب و اثر هنری را برداشته و آنها را در هم می‌آمیزد رنگ یکی از جنبه‌های مهم زندگی شهری است. رنگ ازجمله خصوصیات است که در کنار شکل، ابعاد، جنسیت و بافت هر شیء، حجم یا فضای آن را به ما می‌شناساند. در محیط شهری رنگ را همه‌جا می‌توان دید؛ در بدنه و نمای ساختمان‌ها، پوشش بام، کف سازی‌ها، میلمان شهری، فضای سبز، خودروها و حتی آسمان شهر و نیز رنگ‌آمیزی لباس افراد که همگی نقش مهمی در تعیین چهره رنگی شهر دارند. انتخاب هدفمند رنگ وسایل حمل‌ونقل عمومی ازجمله اتوبوس، تاکسی و... یا دخالت در رنگ‌آمیزی تابلوها اعم از تابلوی مغازه‌ها و سایر علائم شهری می‌تواند چهره رنگی شهر را به کلی دگرگون کند. در بعضی نقاط مهبور، حضور خرده‌فروشان دوره‌گرد ازجمله گل‌فروش‌ها می‌تواند در رنگ‌آمیزی فضا و سرزندگی آن تأثیرگذار باشد.

در بناها و فضاهای قدیم، رنگ‌های طبیعی مصالح محلی که بناها به‌وسیله آنها ساخته می‌شد، به شهر چهره‌ای هماهنگ و همگون می‌داد و با روحیه، اقلیم و فرهنگ مردم نیز بیشتر مطابقت می‌کرد، به‌این‌ترتیب رنگ هر شهر تثبیت شده بود و جنبه‌ای از هویت آن محسوب می‌شد. با وجود تفاوت در مقیاس و عملکردها، نوعی وحدت کلی بر سراسر شهر حاکم بود. هر شهر هویت رنگی خاص داشت. شهرهای کوریری کشورمان مانند ایپانه همگی از مصالح بومی و محلی ساخته شده‌اند که شامل رنگ مایه‌های رنگ‌های متجانس هستند. در این شهرها، بناهای شاخص شهری به‌ویژه بناهای مذهبی با تزئینات کاشی فیروزه‌ای‌رنگ درزمینه خاکی خود می‌درخشیدند و خود را متمایز می‌کردند.

رنگ‌ها معانی نمادین دارند و حتی در تصورات ذهنی افراد نیز تداعی می‌شود. برای مثال رنگ‌های سبز تیره و سیاه برای مراسم عاشورا به کار می‌رود که ناخودآگاه وقتی در فضای شهری قرار می‌گیریم آندوه تمام وجودمان را فرا می‌گیرد، حتی اگر کسی هیچ پیش‌زمینه مذهبی نداشته باشد و در ماه محرم برای اولین بار وارد ایران شود این غم را احساس می‌کند، این همان تأثیر رنگ در مردم و شهر است. رنگ‌های زرد، قرمز و نارنجی یادآور فصل پاییز و آغاز مدارس است. بافت تاریخی یزد، تنها عناصر رنگی مشهود برای رهگذران، درها و دروازه‌هایی هستند که به خیابان باز می‌شوند؛ آنها به رنگ طبیعی چوب هستند و یا سبز و فیروزه‌ای و آبی‌رنگ شده‌اند.

رنگ‌آمیزی عمودی یزد در لحن‌های رنگ خاک اُخرای آن نمودار می‌شود؛ از روشن‌ترین طیف‌های زرد تا تیره‌ترین آن (مطالعه چشم‌انداز شهر، ۱۹۷۵). رنگ‌های ایران کدم‌اند، بدون شک رنگ خاک کویر و رنگ کوه‌های خاکستری و بنفش. ما فرزندان کویریم. در جاده‌های بی‌انتهای کشورمان رنگ سبز و زرد باغ‌ها و درختان و کشتزاران و به‌صورت لکه‌ای و پراکنده به آن اضافه می‌شود. آسمان هم همه‌جا آبی است و لازم نیست کتاب‌ها و آرشيوها مراجع کنیم. هنوز در شهرهایمان دیوارهای بافت‌های قدیم یکپارچه کاه‌گلی‌اند و کاشی‌ها و گنبد‌ها همه آبی. شهرهای امروز ما نیازمند نگرشی جامع نسبت به مسئله رنگ هستند تا در کنار سایر مسائل شهری، رنگ نیز طراحی شده و سازمان‌دهی یابد. توجه به جنبه‌های عملکردی و فیزیکی رنگ بدون توجه به ابعاد و تأثیرات روانی آن باعث آزاددهنده بودن رنگ‌های به‌کاررفته در محیط می‌شود. رنگ در شهر همان‌قدر اهمیت دارد که در فضای داخلی خانه‌ها هم است، مردم روی دکوراسیون داخلی، نوع چیدمان میلمان، خرید چراغ و تابلوهای که روی دیوار نصب می‌کنند، حساسیت زیادی دارند چرا که بیانگر شخصیت آن‌هاست و دوست دارند محیط زندگی به آنها آرامش دهد. رنگ در منظر شهر

در گفتگو با علی‌اکبر نصرآبادی (ریاست موزه ارتباطات، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات) به بررسی اندیشه و تفکر اسلامی در شهرسازی معاصر ایران می‌پردازیم. در ابتدای امر به خوانش سوانح حرفه‌ای و کاری نصرآبادی و شبیانی اشاره‌ای مختصر داشته باشیم: نصرآبادی تحصیل کرده در رشته مهندس آرشیستک از دانشگاه (لوئیزیانای آمریکا) است، وی مدرس مدعو گروه معماری «پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران» در سال‌های متمادی بوده است.

نصرآبادی عضو شورای هماهنگی موزه‌های کشور، ریاست موزه ارتباطات و همچنین ریاست شورای عالی تمبر را بر عهده دارد، این در حالی است که وی در کارنامه علمی، فرهنگی و هنری خود بیش از چهل‌وپنچ نمایشگاه نقاشی در داخل و خارج از کشور طی سال‌های ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۹۶ برگزار کرده است.

در ابتدای گفتگو صحبت از شهرک اکباتان و اظهاراتی مبنی بر آنکه این شهرک را یک گروه خارجی طراحی و انجام داده‌اند که بدون مطالعه و بررسی، عده‌ای آن را ساخت آلمان‌ها می‌دانند و گاه گفته می‌شود یک معمار آمریکایی آن را طراحی و ساخته است. نصرآبادی از خاطره‌های صحبت می‌کند که مدت‌ها قبل در جلسه‌ای حضور پیدا می‌کند که در آن سخنرانی شخصی صحبت‌هایی خلاف آنچه در مورد معماری و تاریخچه شهرک اکباتان وجود دارد، بیان می‌کند.

در پیل پرسش و پاسخ نصرآبادی در حضور جمع شروع به معرفی خود با عنوان اولین نقشه‌کش شهرک اکباتان به سخنرانی می‌پردازد که با استقبال و تشویق جمع مواجه می‌شود چراکه تا آن زمان تصور این بوده است که معمار آن ایرانی نبوده و حتی برخی نشریات درباره این شهرک مطلب افروان منتشر کرده‌اند، بی‌آنکه نام طراح اصلی آن را بدانند. فریدون آذری طراح شهرک اکباتان است که در حال حاضر در دریند شمیران زندگی می‌کند و اولین نقشه‌کش شهرک هم نصرآبادی بوده است و یادآوری می‌کند که شهرک اکباتان

رنسانس رنگ‌ها در تهران

مریم حبیبی

از دیرباز در فرهنگ غنی گذشتگان ما در معماری ایرانی، رنگ، عنصری شاخص و مهم محسوب شده است و جایگاه و مرتبه والایی داشته به‌طوری‌که گاه معماری دوره‌های مختلف را از رنگ‌های استفاده شده در کالبد بناها تشخیص می‌دهیم. مثل کاشی‌های هفت‌رنگی که از قرن پنجم مرسوم شدند که از دوران صفویه رنگ زرد حضور پررنگ‌تری در آن‌ها پیدا کرده اما حال چه شده که نه‌تنها پالت رنگ‌ها جایگاه قبلی را در معماری و شهرسازی معاصر ندارند، بلکه آشفتگی گسترده در این زمینه دیده می‌شود. بااین‌حال، مردمی که چنین سابقه فرهنگی و تاریخی‌ای دارند، گاه خودشان دست‌به‌کار می‌شوند و این ارزش را بازمی‌گردانند. در این نوشتار به بررسی و شناخت سطحی و مختصر بر پالت رنگی شهر تهران پرداخته‌ایم. شاید باکمی اغراق بتوان گفت: تأثیرگذارترین رنگ در حال و هوای یک شهر و مردمانش، رنگ آسمان آن شهر است. جای افسوس بسیار دارد که اکثر روزهای تهران خاکستری است. شاید این، خود گویای میزان دل‌مردگی و افسردگی مردم تهران باشد. در شهری که گاه بارزترین نشانه ارتفاعی آن یعنی برج میلاد قابل‌رویت نیست، حال خوب و چهره بشاش را به‌سختی می‌توان دید. حافظ جان می‌فرماید: عیب می‌جمله بگفتی هنرش نیز بگو؛ تهران، روزهای خوب با آسمان آبی و شب‌های پرستاره هم دارد. به‌طوری‌که بی‌شک تهران در فصل بهار یکی از زیباترین شهرهاست! هنوز لکه‌های رنگی‌ای در تهران هستند که مردم را به وجد می‌آورند. هنوز می‌توان سرزندگی را در آن جست‌وجو و یافت کرد. گاه نوع کاربری یک محدوده رنگ آن را از قسمت‌ها متمایز می‌کند. بازار تجریش یکی از همین نقاط است.

این بازار با میوه‌های نوربانه رنگارنگ و سبزی‌های تازه که هر انسان با ذوقی را به وجد می‌آورد، معروف است. این در حالی است که معمولاً بازارها در تهران به دلیل عدم هماهنگی در مصالح و نما و تعداد طبقات، نابه‌سامانی زیادی دارند. این نابه‌سامانی در رنگ‌های استفاده شده نیز وجود دارد. شاید چیزی که محدوده بازار تجریش را از سایر بازارهای تهران متمایز می‌سازد، موقعیت جغرافیایی آن باشد. رنگ سبز زیبای درختان در کنار آسمانی که معمولاً آبی است، کمی از تشویش فکری حاصل از شلوغی و هرج‌ومرج بازار می‌کاهد. گاه مردم شهر و مراجعین یک فضای شهری رنگ آن را تغییر می‌دهند. محدوده تئاتر شهر ازجمله این نقاط است. اگر ساعتی را در این مکان بگذرانید، متوجه تفاوت ظاهری مردم خواهید شد. جایی که اغلب جوانانی با پوشش رنگی و متمایز از سایر مردم شهر را به خود جذب می‌کند. تجمع فعالیت‌های هنری و وجود دانشگاه هنر در این محدوده از دلایل زیباتر شدن این نقطه از شهر است که البته گاه به مذاق بعضی خوش نمی‌آید! در معماری معاصر به‌ندرت می‌توان رنگ‌های جذاب و درعین‌حال هماهنگ با محیط یافت. شاید اگر اهمیت رنگ در معنا و درک یک مجموعه روشن شده بود، امروزه شاهد استفاده بهتری از آن می‌شدیم. به‌جرت می‌توان گفت:

تهران هرچه دارد از گذشته‌اش است. چنان‌که گاه تک بناهایی مثل: «برج آزادی، کاخ‌های تهران همچون: شمس‌العماره، گلستان، نیاوران و...، خانه‌های قدیمی همچون: خانه مقدم یا سرای کاظمی» را می‌یابیم که جایگاه رنگ را به‌خوبی دریافته و رعایت کرده‌اند. همچنین فضاهای شهری قدیمی مثل میدان حسن‌آباد. بااین‌وجود ما برای آیندگان خود چه به‌جای می‌گذاریم؟ جز اینکه فضای مسکونی طراحی شده‌مان می‌شود شهرک اکباتان بی‌رنگ و روح؟ یا مگامال‌هایی که سبک مدرن را دنبال می‌کنند و هیچ سختی با روح ایرانی ندارند. بناهایی که نه‌تنها آرامش‌بخش نیستند؛ بلکه انسان را ضعیف و ضعیف‌تر نشان می‌دهند. در فرهنگ هر ملتی خانه و خانواده مأمن آرامش افراد است. گذشتگان ما توانسته بودند به زیبایی آرامش را از طریق رنگ به خانه‌هایشان بیاورند. حالا جای پنجره‌های آرسی با قاب‌های چوبی، نماهای رومی سخت و خشن با شیشه‌های دوجداره داریم. حالا معماری و شهرسازی ما در تهران و سایر شهرها، نیاز به یک رنسانس دارد تا به اصل زیبایی خودش بازگردد. رنگ شهرهایمان شده ترکیب خاکستری و قهوه‌ای و مشکی. مرحوم خسرو شکیبایی زیبا می‌گفت: رنگ روح زندگی سبز است، فقط سبزی! کاش رنگ روح زندگی را به شهرها بازگردانیم.

رنگی به شهر، شهری به رنگ ۱



و گرافیک شهری به‌قدری اهمیت پیدا کرده که در حال حاضر تمام دنیا به این موضوعات می‌پردازند؛ اما باید دقت زیادی در رنگ شود که محیط از نظر بصری تخریب نشود و محیط متناسب با کاربری خود طراحی شود. برای مثال در فضایی که بچه‌ها حضور دارند از رنگ‌های دایره اول رنگ که پایه هستند استفاده می‌شود چراکه بچه‌ها قادر باشند به‌خوبی رنگ‌ها را درک کنند. برای محیطی که افراد بزرگ‌تر حضور دارند از درجه دوم و سوم دایره رنگ استفاده می‌شود چراکه این افراد ذهن پیچیده‌تری دارند و این رنگ‌ها را بهتر درک می‌کنند. این دقت‌نظر باید توسط متخصصین به وجود آید و شخص دیگری نمی‌تواند این کار را انجام دهد.

نورپردازی نیز در کنار رنگ حائز اهمیت است. هنگامی که یک اثر خوب در شهر پدید می‌آید، باید برای نمای شب آن نیز فکر می‌شود تا منظره زیبایی داشته باشد. اکنون مطالعاتی صورت می‌گیرد که بیشتر از انرژی خورشیدی و از چراغ‌هایی که به فتوسل وصل می‌شود، استفاده شود تا در زمان خاموشی هم روشن بمانند چراکه نور، اولین شرط برای هر نوع ادراک بینایی است. در تاریکی مطلق، ما نه فضا را می‌توانیم ببینیم و نه فرم و رنگ را، اما نور تنها یک ضرورت فیزیکی نیست، بلکه ارزش روان‌شناختی آن یکی از مهم‌ترین عوامل زندگی انسانی در همه زمینه‌هاست.

نتیجه‌گیری:
کلیه انسان‌ها برای رشد طبیعی روح و جسم خود نیاز به محیطی مناسب، زیبا و دلانگیز دارند. عنصر رنگ، جدا از توان بالا در ادراک تمایزهای محیطی، نقش تعیین‌کننده‌ای در حیات روانی، عاطفی و ذوقی انسان به عهده دارد. شهرهای امروزی غالباً خاکستری هستند عناصر رنگی در آنها بیشتر سیمای رنگارنگ زبانه‌هاست که در همه محیط‌های شهری نمودنمایی می‌کنند به‌طوری‌که شهروندان در برخورد با این نماها تنها با آشتنگی بصری مواجه می‌شوند. با توجه به اهمیت حیاتی رنگ و کیفیت آن و تأثیرات مهم آن بر زندگی چه از لحاظ روانی و چه از لحاظ فرهنگی و تأثیر آن بر شهر چه از لحاظ زیبایی و چه از لحاظ هویت و خوانایی، نتیجه می‌گیریم که استفاده به‌جا و درست رنگ در شهر می‌تواند بسیاری از مشکلات شهرنشینی را برطرف کند.

۱. اقتباس از پژوهش کتاب پالت رنگی شهر تألیف حمیدرضا شبیانی در خردادماه ۱۳۹۵ است. به‌پاس احترام به زحمات خانواده لنکوس (ژان فیلیپ لنکوس و دومینیک لنکوس) که سال‌ها به پژوهش رنگ و جغرافیای رنگ در جهان تلاش کرده‌اند. همچنین جا دارد از پرفسور ایرج اعصابم، دکتر وحید قبادیان و مهندس فرهاد عوض‌نژاد تشکر کنم.